

## مربوط به جنگ جهانی دوم

ترجمه سیروس طاهباز

یادآوری: خوانندگان این پژوهش بی شک به این نکته توجه خواهند داشت که جنگ در سرزمین ما، ماهیتی جدا از جنگی داشت که موضوع این پژوهش است. جنگ ما دفاع از حق بود در برابر باطل، و نور بود در برابر ظلمت اما از آنجا که موضوع این پژوهش انعکاس جنگ در کتابهای کودکان و نوجوانان است شاید خواندن آن برای نویسندگان و پژوهشگران ما خالی از فایده نباشد.

این پژوهش را ماریا شوتز و جین گرین لو، استادان دانشگاه جورجیا انجام داده‌اند و از نشریه Top of the NEWS شماره زمستان ۱۹۷۵ با اندکی اختصار ترجمه شده است.

مترجم

باشد.

در دهه شصت، ادبیات کودکان و نوجوانان بیشتر به این جهت متمایل شد که واقعگرایی مورد توجه قرار گیرد. نویسندگان در کتابهایشان در مورد کودکان و نوجوانان گرایش جدیدی را در پیش گرفتند که جلوه‌ای از واقعگرایی داشت.

کنستانتین جنوریو در کتاب «کودکان و ادبیات آنها» می‌نویسد: «گرایش قرن نوزدهم این بود که پدیدآورندگان ادبیات کودکان و نوجوانان وظیفه خود می‌دانستند قهرمان تراشی کنند، بنابراین آثارشان ادبیاتی بود وعظانگیز و اخلاقی. درحالی که امروزه این گرایش در ادبیات کودکان و نوجوانان وجود دارد که همچون آئینه‌ای باشد در برابر

# پژوهشی درباره کتابهای کودکان

واقعیات دنیای پیچیده ما که در آن لزوماً خوبها همیشه به پیروزی نمی‌رسند و بدها همواره مجازات نمی‌شوند.»  
اصل دیگری که از قرن نوزدهم به بعد بر ادبیات کودکان و نوجوانان حکم اثر می‌کرد این عقیده ادیب‌ماتیک فرانسوی، پل هازارد، بود که معتقد بود «دوران کودکی به مثابه جزیره خوشبختی است که می‌باید شادی در آن حاکم باشد.»

امروزه جزیره کودکی تفاوت عظیمی با آن تصور قرن نوزدهمی و

پیشگفتار: توجه به آن رشته از ادبیات کودکان و نوجوانان که زمینه اصلی آن را جنگ و آشفتگیهای آن تشکیل می‌دهد اساس این پژوهش است که مربوط می‌شود به کتابهای کودکان و نوجوانان درباره سالهای جنگ جهانی دوم. تحقیقات نشان می‌دهد که کتابهای مطالعه‌شده در طول زمان جنگ، یعنی سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۰، منتشر شد که زمینه آنها جنگ بود. این نوع کتابها در اواخر دهه پنجاه پیدا شد و در دهه شصت تعداد آنها فزونی گرفت و در دهه هفتاد به نظر می‌رسد به اوج خود رسیده



حتی با تصویری که تا نیمه قرن بیستم ادامه داشت، یافته است. مسائل بحرانی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که امروزه دنیا با آن روبرو است، چنان درهم تنیده و وابسته به هم است که همچون شبکه تارهای عنکبوت، دنیای امروز را احاطه کرده است و در نتیجه سایه‌های سیاه و اسیرکننده خود را بر جزیرهٔ کودکی نیز افکنده است.

همچنانکه جین یولین اشاره می‌کند، رسانه‌های گروهی همه مسائلی را که جامعه با آن روبرو است به سرعت به گوش و چشم همگان، از جمله کودکان و نوجوانان، می‌رساند. تلویزیون تقریباً در نود و پنج درصد خانه‌های امریکاییان وجود دارد. از این گذشته، بسیاری از مردم از جمله کودکان و نوجوانان، متفاوت با گذشته آموخته‌اند که چگونه بخوانند و

## و نوجوانان

مواد خواندنی همه روزه بیشتر از گذشته خوانده می‌شود و داستانهای واقعگرایانه جای خود را بیشتر باز می‌کند.

چند تن از نویسندگانی که با اعتقاد به واقعگرایی برای کودکان و نوجوانان می‌نویسند احساس خود را در برابر این واقعگرایی نوین چنین بیان می‌کنند.

اریک هوگارد نویسنده کتاب «ماهیه‌های کوچک» معتقد است: «نمی‌خواهم تنها از این سخن بگویم که بر قربانیان جنگ چه گذشت،





بلکه این را هم می‌خواهم بگویم که او چگونه می‌تواند از تنزل مقام انسانی خود بگریزد. کتابهای تاریخی ما از پیروزی و شکست ارتشها سخن می‌گویند، من می‌خواهم از پیروزی و شکست انسانها بگویم. امیلی نویل یکی دیگر از نویسندگان کتابهای کودکان و نوجوانان گرایش خود را به واقعه‌گرایی نوین به طرز دیگری بیان می‌کند. او از مأموریت خود به عنوان نویسنده چنین سخن می‌گوید: «نمی‌خواهم به خواننده نشان دهم که او چگونه می‌تواند قهرمان بزرگی باشد، چون گمان نمی‌برم اغلب مردم دلشان بخواهد قهرمان باشند، بلکه می‌خواهم به سادگی به آنان بگویم چه مشکلی است موجود انسانی ساده و پاک بودن. ارزشهایی که من از آنان سخن می‌گویم آنها را به قهرمان شدن نمی‌کشاند، امیدم این است که آنان را به کمال انسانیت رهنمون باشد.» نویسندگان واقعه‌گرایی نوین پیام خاصی برای خوانندگان خود دارند که اغلب متفاوت با آن پیامهایی است که در کتابهای دیگر، مثلاً کتابهای تاریخ مطرح می‌شود. این نویسندگان بر این باورند که واقعه‌گرایی نوین به نوجوانان خواننده حساسیتی عمیقتر می‌بخشد که در آینده آنان را در گشودن گره‌های اجتماعی موفق می‌سازد و راه رسیدن به «کمال انسانیت» را فراروی آنان قرار می‌دهد.

نظرات روشن و واقعه‌گرایانه ضد جنگ، بسیار مؤثرتر از نویسندگان زمان جنگ سالهای کوتاه پس از آن به تصویر درآورده‌اند. در این داستانها با وجود دوریها، کمبود مواد غذایی، و دیگر مصایب جنگ، در پایان همه‌چیز به طرز رضایت‌آمیز خاتمه می‌یابد.

کتابهای گروه دوم آن دسته از کتابها هستند که بعد از سال ۱۹۶۵ منتشر شده‌اند. در این کتابها پیامهای شدید ضد جنگ به چشم می‌خورد و خصوصیت دیگر آنها این است که پایان آنها، اغلب خوش نیست. اما این بدان معنی نیست که خالی از امید باشند. در کتاب «دوست دشمن او» نوشته جان تانیس چاپ ۱۹۶۷، داستان چنین پایانی می‌یابد که قهرمان اصلی کتاب که یک افسر نازی است کشته می‌شود. این افسر به دهکده‌ای در نورماندی برگشته است که ظاهراً در زمان جنگ جهانی دوم در آنجا فرمان اعدام شش تن از آدمهای دهکده را صادر کرده است و اینک به دست پسر یکی از آن کشته‌شدگان که تعادل روانی درستی ندارد کشته می‌شود. همچنانکه می‌هیل آربوت‌نات در این مورد می‌گوید: «اگر نتیجه این داستان درست به نظر می‌رسد مشخصاً این درونمایه را عمده می‌کند که عشق نیرومندتر از نفرت است و عشق امید دنیای ماست.»

کتاب دیگر «بازگشت به هیروشیما» است نوشته بتی جین لیفتون چاپ ۱۹۷۰ که کتابی است غیر داستانی همراه با عکس و شرح آنها که اثرات بمب اتمی را که روز ۶ اوت سال ۱۹۴۵ بر هیروشیما فرو ریختند، نشان می‌دهد. کتابی است که با آن به هیچ‌وجه نمی‌شود از واقعیت جنگ گریخت. واقعیتی که امروز هم پس از گذشت این همه سال همچنان باقی است. بازماندگان این حمله هوایی از تشعشعات اتمی دچار سرطان خون شدند و جان سپردند. کودکانی که پس از این جنایت به دنیا آمدند دچار عقب‌ماندگی ذهنی شدند، بعضیها یتیم و برخی دچار تغییر شکل اندامها شدند و جوانان به دلیل تغییرات ژنتیکی امید ازدواج را از دست دادند. در میان این همه مصیبت و بدبختی، امید هنوز می‌درخشد. امید به صلح. یکی از بهترین نمونه‌هایی که نشانگر این امید است جمله‌ای است كه شده بر پایه بنای یادبود کودکان در پارک صلح شهر هیروشیما که کودکان هیروشیمایی آن را به یاد يك نوجوان بازمانده از این بمباران که سالها بعد از سرطان خون مرد، ساخته‌اند. آن جمله این است: «این فریاد ماست، این دعای ماست: صلح در تمام جهان.»

از میان تمام کتابهای داستانی این دوره، کتابی که در آن بیان نیرومندی از موقعیت واقعی جنگ به چشم می‌خورد کتاب «ضیافت معصومانه» نوشته جیمز فورمن چاپ ۱۹۷۰ است. هانس و سوفی

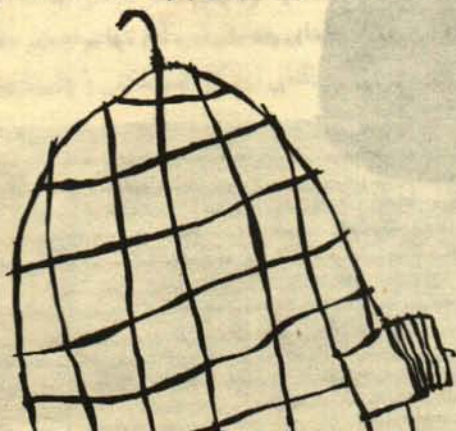
سالهای جنگ و پس از آن: در طول جنگ سه کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شد: «گنجینه برف» نوشته مری وکسویگان (۱۹۴۲)، «کلوچه‌های پاریس» نوشته کلرهاشت بیشاپ (۱۹۴۷)، و «بیست و ده نفر» (۱۹۵۲) از همین نویسنده.

در کتابهای «گنجینه برف» و «بیست و ده نفر» کودکان در موقعیت خطرناک زمان جنگ توصیف شده‌اند که سرانجام حوادث به خوبی پایان می‌پذیرد. هر سه این کتابها شیرین و لذت‌بخشند و دارای پیامهای ارزنده‌ای درباره جنگ هستند. مهم است به خاطر داشته باشیم که هر سه این کتابها برای کودکان نوشته شده‌اند، درحالی که بسیاری از کتابهایی که بعدها نوشته شدند برای نوجوانانند.

سالهای آخر دهه پنجاه و بعدتر: هرچه زمان از دوره جنگ جهانی دوم پیشتر رفت، پیامهای نویسندگان قوی‌تر و واقعی‌تر شد. در سالهای آخر دهه پنجاه، بیست کتاب منتشر شد و نویسندگان آنها پیامهای قوی‌تری در زمینه‌ای تلختر و مؤثرتر ارائه دادند. این نکته وقتی آشکار می‌شود که ما این بیست کتاب را به دو گروه تقسیم کنیم. الف: کتابهایی که در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت منتشر شد و ب: کتابهایی که بعد از سال ۱۹۶۵ منتشر شد.

کتابهای گروه اول عبارتند از: «خانه شصت پدر» نوشته میندرت دووینگ (۱۹۵۶)، «سکوت فراز دانکرک» نوشته جان تانیس (۱۹۶۲)، «نگهبان بالدار» نوشته هیلدا فن استوکوم (۱۹۶۲)، «آسمانهای کرت» نوشته جیمز فورمن (۱۹۶۳)، «سواران کوچک» نوشته مارگارت شمن (۱۹۶۳)، و «پروانه دیگری را ندیدم» (۱۹۶۴) از همین نویسنده. در تمام این شش کتاب جنگ به صورتی زنده و واقعی به تصویر درآمده است.

نویسندگان این کتابها ترسها و تلخکامیهای دوران جنگ را با ارائه





اسکول و دو تن از دوستان صمیمی شان که همگی دانشجویان دانشگاه مونیخ هستند، در زمان جنگ نشریه‌ای به نام «رز سفید» منتشر می‌کنند که در آن هیتلر و نازیسم را محکوم می‌کنند. آنها خوب می‌دانند که اگر کارشان لو رود چه پیش خواهد آمد. اینها نوجوانانی غیرعادی نیستند و نمی‌خواهند قهرمان باشند. همه از خانواده‌هایی مرفه و شاد و جوانند و در آرزوی آینده. اما کار آنان لو می‌رود و هر چهار نفرشان را با گیوتین کردن می‌زنند. صحنه پایانی کتاب چنین است:

«هانس و سربازان وارد دخمه‌ای می‌شوند. گیوتین دستگاهی سایه رنگ با گردنه‌ای دراز بود. دستگاه کوچکتر از آن بود که هانس عکسهایش را در کتابهای انقلاب فرانسه دیده بود. چشمهایش را بست. سربازها وادارش کردند زانو بزنند و او تنش را سفت کرد. سربازها سرش را به دستگاه محکم کردند و هانس صدای چرخهای دستگاه را شنید و فریادی از گلویش بیرون جهید. فریادی که آمیخته با خشم بود و ایمانی که او مرگ را به خاطر آن پذیرا شده بود: «زننده باد آزادی!» در همین هنگام تیغه فرود آمد. دندانهای هانس به میان گوشت زبانش فرو رفت و دیگر تمام شد.»

تمام کتابهای این گروه، خشونت و وحشت جنگ را نشان نمی‌دهند و با مرگ و از هم پاشی تمام نمی‌شود. بعضی کتابها از بازماندگان جنگ سخن می‌گویند و از ساختن یک زندگی جدید، با این امید که زندگی بهتر و صلح‌آمیزی پیش رو داشته باشند. مانند کتاب «گامهای بی‌پایان» نوشته استر هوتزیگ (۱۹۷۳)، «وقتی هیتلر عروسک صورتی‌ام را زدید» نوشته جودیت کر (۱۹۷۲)، و «یک سلاح مخفی» نوشته الیوت آرنولد چاپ ۱۹۶۹.

در کتابهای این گروه، واقعیت‌های جنگ و پیامدهای آن اغلب با پایانی خوش همراه نیست، شادمانی نیست اما امید پا برجاست. این نکته‌ای است کاملاً واقعگرایانه و به پیام ضد جنگ این داستانها نیروی بیشتری می‌بخشد.

تاثیر کمال‌بخشنده جنگ: در تمام این کتابها آمده است که کودکان در شرایط زمان جنگ، مسئولیتهای فراوانی را به عهده گرفتند و خود را در شرایطی دیدند که مجبور بودند تصمیم‌گیری کنند و به این ترتیب به‌رغم سن خود به کمال رسیدند. جنگ از آنان چیزی را گرفت که هرگز باز پس گرفتنی نیست - یعنی کودکی‌شان را.

یکی از بهترین نمونه‌های کمال یافتن کودکان متفاوت الطبع را می‌توان در شش کتابی یافت که جیمز فورمن درباره جنگ جهانی دوم نوشته است. یعنی کتابهای «آسمانهای کرب» چاپ ۱۹۶۳، «ناقوس را بنواز»، «اسبهای خشم» و «خیانتکاران» چاپ ۱۹۶۸، «دشمن من»، برادر من» چاپ ۱۹۶۹، و بالاخره کتاب «ضیافت معصومان» که در سال ۱۹۷۰ چاپ شده است.

علاوه بر کتابهای فورمن، به کمال رسیدن کودکان را می‌توان در کتابهای دیگری نیز یافت مانند «تابستان سرباز آلمانی من» نوشته بت گرین چاپ ۱۹۷۳ و «اتاق بالایی» نوشته جووانا رایس چاپ ۱۹۷۲. حوادث کتاب اول به خلاف سایر کتابها در امریکا می‌گذرد و شرح

مصایبی است که جنگ بر سر کودک دوازده ساله‌ای به نام پامی در آرکانزاس می‌آورد.

حوادث کتاب «اتاق بالایی» در هلند می‌گذرد. انی دختری شش ساله و یهودی است که خانواده‌اش هفت سال در حال فرارند و به خانواده‌های مختلف پناه می‌برند. حوادث و مشکلات روزانه فرار این خانواده از چشم این دختر کوچک دیده و بیان می‌شود.

«روزگاری کودکی کوچک بودم

سه سال پیش.

کودکی بودم که آرزوی دنیای دیگری را داشتم.

حالا، اما دیگر کودک نیستم.

چون نفرت را آموخته‌ام.

اکنون آدمی بزرگسالم.

ترس را شناخته‌ام.»

عینیت و پرهیز از نتیجه اخلاقی گرفتن: برای یک نویسنده کار بسیار آسانی است که با پند و اندرز و نتیجه اخلاقی گرفتن برای کودکان و نوجوانان از جنگ بنویسد. در کتابهایی که در این پژوهش آمده است، هیچ‌یک از نویسندگان چنین نوشته‌اند. در تمام نقدهای متعددی که بر این کتابها نوشته شده است، تأکید بر این بوده است که آنان با شیوه‌ای عینی و با پرهیز از احساساتی بودن و نتیجه اخلاقی گرفتن نوشته شده‌اند.

تمام این کتابها خوب نوشته شده‌اند و قهرمانهایشان به خوبی ترسیم شده‌اند و طرح آنها کاملاً واقعگرایانه و پذیرفتنی است.

نتیجه‌گیری: با بررسی این کتابها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: ۱. کتابهایی که در زمان جنگ و سالهای کوتاه پس از آن نوشته شده‌اند، در بیان مسائل مربوط به جنگ از لحاظ قدرت قابل مقایسه با کتابهایی نیستند که پس از این دوران نوشته و به چاپ رسیده‌اند.

۲. حرف نویسندگان درباره جنگ به طرز پیشرونده‌ای قویتر و واقعگرایانه‌تر از سالهای اولیه است. صرف نظر از بیان و اظهار نظر قوی درباره جنگ و توصیف واقعگرایانه شرایط و موقعیتها با وجود همه تیرگی درجه امید گشوده است و بر این نکته تأکید می‌شود که موقعیت بهتر خواهد شد. این امید، نشانه ایمان به رندگی و رنده ماندن برای رسیدن به دنیای بهتری است.

۳. قهرمانان کودک و نوجوان این کتابها در طول سالهای جنگ کمال یافتند و دوران کودکی آنان در آوار جنگ دفن شد.

۴. نویسندگان این کتابها در مورد عقایدشان نسبت به جنگ، پند و اندرز مستقیم و احساساتی نمی‌دهند و بیشتر می‌کوشند تصویری دقیق و واقعی از جنگ ارائه دهند و نتیجه‌گیری را به برداشت خواننده واگذارند.

۵. این کتابها به طرز ماهرانه‌ای نوشته شده‌اند و مورد استقبال خوانندگان و بررسی‌کنندگان قرار گرفته‌اند.

□